

پاهایم کجاست؟

خاطرات جانپاز ۷۰ درصد جنگ تحمیلی حمزه یزدانی

طیبه‌کیانی (مینایی)



نشر دارخوین

۱۳۹۲

سرشناسه: کیانی، طیبه
عنوان و نام پدیدآور: پاهایم کجاست؟: خاطرات حمزه یزدانی جانباز ۷۰ درصد جنگ تحمیلی / طیبه کیانی.
مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰۲-۰۰۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
عنوان دیگر: خاطرات حمزه یزدانی جانباز ۷۰ درصد جنگ تحمیلی.
موضوع: یزدانی، حمزه، ۱۳۴۷
موضوع: جانبازان -- ایران -- خاطرات
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات
رابطه بندی کنگره: ۴۳ ک۹ ۱۳۹۱ ی/۱۶۲۹
شماره ثبت کتاب: ۹۵۵/۰۸۴۳-۹۲
شماره کتابساز ملی: ۳۰۳۹۲۹۷



پاهایم کجاست؟

جمع‌آوری و تدوین: طیبه کیانی

☐ ناشر: دارخوین ☐ ویراستار: راضیه امیری ☐ حروف‌نگار: سحر قزیری

☐ طراح جلد: سارا رضایی ☐ صفحه‌آرا: حامد شاه‌مرادی

☐ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲ ☐ شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰۲-۲۴-۷

مرکز پخش: اصفهان، نشر دارخوین - ۰۶۹۲ ۰۹۱۶ ۹۹۱ - ۰۳۱۱ ۳۳۵ ۷۸۷۹

NDarkhovin@Yahoo.Com

فهرست

- ۱۱ سخن با خواننده
 ۱۲ شیرمردان به خیر
 ۱۳ مقدمه
 ۱۴ شرح جلال

معبر اول: معرفی و زندگی نامه

- ۱۷ معرفی / زندگی نامه

معبر دوم: خاطرات جلال

- ۲۳ شعارهای انقلابی
 ۲۴ وقتی که معلم برنامه درسی را روی یک کفن امام خمینی چسباند

معبر سوم: تلاش برای اعزام به جبهه

- ۲۷ قد کوتاهم
 ۲۸ گوۀ قالی در چکمه هایم
 ۲۹ دوباره قد کوتاهم کار دستم داد
 ۳۰ رزم شبانه و چکمه های گمشده

معبر چهارم: اعزام به جبهه

- به خاطر کوتاه بودن قدم در گردان راهم ندادند
 ۳۴ پادگان لوله
 ۳۵ عاقبت به گردان رفتم
 ۳۶ قدرت اندازه آربی جی است
 ۳۷ کمک آربی جی
 ۳۸ سنگر روی پل شناور و اوقات فراغت
 ۳۹ بالاخره به من هم آربی جی دادند

- ۴۰ حمام و چیدن گردو.....
- ۴۱ نحوه شهادت مسئول دسته‌مان «شهید علی یزدانی» فرزند حبیب.....
- ۴۲ به‌خواست خدا هر دو خمپاره ناخودآگاه شلیک شد.....
- ۴۳ نحوه شهادت مسئول دسته «شهید عزیز مهتری».....
- ۴۴ آری جی.....
- ۴۵ میرکردن ترکش در کتاب دعا.....
- ۴۶ پایان عربت ۲.....
- ۴۷ آخرین دیدار.....
- ۵۰ آخرین دیدار پسر خاله شهیدم علی شیرزادی فرزند رمضان.....
- ۵۱ آخرین دیدار با حاج حسین خرازی.....
- ۵۲ سه شیفت نگهبانی پست.....
- ۵۳ نارنجک.....
- ۵۴ نام اهل‌البیت و امدادهای غیبی.....
- ۵۵ وَجَعَلْنَا.....
- ۵۶ نحوه شهادت «شهید علی یزدانی» فرمانده گروه.....
- ۵۷ نحوه شهادت «شهید امینی» و قطع شدن دستش.....
- ۵۸ آخرین دیدار با پسر خاله شهیدم رضا توکلی فرزند.....
- ۶۰ حمزه آری جی.....
- ۶۱ سعید من تا آخر می‌مانم.....
- ۶۲ سه روز و سه شب در منطقه گم شدیم.....
- ۶۳ اوقات فراغت در اردوگاه.....
- ۶۴ سلام دایی.....
- ۶۵ توسل و نماز شب در اردوگاه.....
- ۶۶ معنویت اردوگاه عرب.....

- در خواست انتقال از اردوگاه عرب..... ۶۷
- واحد ۱۰۶ و یک شب ماندن در سنگر پر از آب..... ۶۸
- گلّنی..... ۶۹
- آخرین دیدار با «شهید رحمت الله توکلی» فرزند کربلایی رمضان..... ۷۰
- هنمودهای امام خمینی در پشت عکس..... ۷۲
- سنگر عراقی..... ۷۳
- تار تانک عراقی..... ۷۴

معبر پنهانی که جانباخ شدم

- روزی که جانباخ شدم..... ۷۷
- با مجروح شدم روح از تنم خارج شد..... ۷۸
- پایم را در خاک عراق جا گذاختم..... ۷۹
- وقتی پاهای قطع شده‌ام را می‌سند..... ۸۰
- اورژانس و پیرمردی که بالای سرم بود..... ۸۱
- پاهایم کجاست؟..... ۸۲
- حافظه‌ام را از دست داده بودم..... ۸۳
- با دیدنم شوکه شدند..... ۸۵
- سالگرد برادرم..... ۸۶
- پسرم پاهایت کو؟..... ۸۷
- پسرم پاهایت قطع شده؟..... ۹۰
- کفشهایت کدام است؟..... ۹۱

معبر ششم: تشکیل خانواده

- ۹۵خواستگاری
- ۹۶دختر به چلاق نمی دهیم
- ۹۷می خواهم با جانباز ازدواج کنم
- ۹۸زندگی با جانباز سخت است
- ۹۹مهریه و مراسم عقد
- ۱۰۰مراسم عروسی

معبر هفتم: نسبت خانه خدا با ویلچر

- ۱۰۳ثبت نام حرم
- ۱۰۵اعزام به مکه حرم
- ۱۰۶حجرالاسود
- ۱۰۷دوران کودکی یادش به یاد
- ۱۰۸اشعار دوران انقلاب
- ۱۰۹اشعار جبهه

معبر هشتم: از دریچه دوربین

خنی با خواننده

سلام روح پاک و ملکوتی امام خمینی (ره) و شهدای هشت سال دفاع مقدس به ویژه جانباز عزیز و گرامی کشورمان که با رشادت‌ها و ایثارگری‌های خود زمینه بروز غالی‌ترین و به ادعای ما، ترسناک‌ترین لحظات را برای تاریخ ثبت و ضبط کردند و افتخاراتی ابدی برای جامعه به امان آوردند.

رزمندگان غیوری که با اعتقاد به امان، اعتقاد و ایمانی که به خداوند متعال داشتند جان خود را در طبق اخلاص نهاده تا مردم را از کرده خود پشیمان کنند و هنوز هم پس از گذشت سال‌ها از جنگ با روحیات و لایشان از قبیل ایمان، توکل به خدا، عزت نفس، شجاعت، ایثار و از خود گذشتگی در روح جامعه جاری هستند و عنایات خداوند را همچون گذشته با همه وجود نفس و جان و مال و جان خود در راه خداوند می‌گذارند. خداوند را شاگردم از این که توانستم بار دیگر کتابی را به رشادت و شجاعت و بی‌اورم که نمایانگر جلوه‌های خداوندی است.

در این مجموعه، خاطرات برادر عزیز حمزه یزدانی جانباز ۷۰ درصد جانباز و میلی را مطالعه می‌کنیم که بخشی از آن در کتاب فرار از خط به رشته تحریر درآمده است.

امید دارم مورد رضایت حق تعالی قرار گیرد و ذخیره‌ای باشد برای آخرتم.

طیبه کیانی (مینایی)

یاد شیر مردان بخیر

یاد شیر مردانی بخیر که امنیت را برای ما به ارمغان آوردند.
 یاد پیکرهایی بخیر که پودر شدند و ذره ذره به احدیت پیوستند.
 یاد شهیدانی بخیر که هرگز تشییع نشدند.
 یاد آن راز و نیازهای عاشقانه و یاد غنچه‌هایی که قبل از شکفتن پرپر شدند.
 یاد هر نی همدلی با سید علی بخیر، یاد موقعیت‌هایی بخیر که در آن به سر موقعیت نبودند.
 یاد کانداهایی بخیر که گندآب خودنمایی در آن جریان نداشت.
 یاد خاکریزهایی بخیر که گودال‌های لغزش را صاف می‌کرد.
 یاد بی سیم‌هایی بخیر که ما و آسمان بود.
 یاد قطب نماهایی بخیر که مسیر اصلی را نشان می‌داد.
 یاد مین‌هایی بخیر که سکوی ایستادن بودند.
 یاد خمپاره‌هایی بخیر که پیمان‌ها را به هم‌راه داشت.
 یاد لبخندهایی بخیر که به قهقهه شهرت بودند.
 یاد گلوله آرپی جی بخیر که پر از کادو برای دشمن بودند.
 یاد سنگرهای نگهبانی بخیر که آخرین آشیانه پرستوها بودند.
 یاد بسیجی‌هایی بخیر که ضریب اخلاص بودند.
 یاد چشم‌هایی بخیر که در راه خدا هدیه شدند.
 یاد دست و پاها و کمرهایی بخیر که در راه خدا تا آخر به مسئولیت‌های خود
 چرخدار تکیه زدند.
 ای شهدا! برای ما حمدی بخوانید که شما زنده‌اید و ما مرده.

راستی بعد از شهدا ما چه کردیم؟

امام خمینی (ره) درباره جانباز می‌فرمایند: خداوند تبارک و تعالی جانبازان را در عالم خاک باقی گذاشته است تا باب شهادت بسته نشود. تا روزی که «گروه تفحص شهدای آن دنیا» این شهیدان جامانده را در عالم خاک را بیابند و بر محمل بال ملائک به عرش ببرند.

جانبازانی که یا مفقودان آن دنیایند که روزی پیدا خواهند شد و به یاران شهیدان خواهند پیوست. این منتظران وصل هر روز در انتظار فراخوانی از آسمان تا بال‌های شکسته خویش را بگشایند و در فضای عالم بالا سر به پیر درآیند.

این شهیدان زنده مسلمان شدند و اسیران فرش. به خاطر آنان است که شهیدان یک بار دیگر افساک تا خاک سفر می‌کنند و آن شهیدان زنده‌ای را که آسمانی شهیدان لباس شهادت می‌پوشانند. به راستی که این لباس برازنده آنان است.

حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) رها با کلام الهی خود جانبازان و ایثارگران را مورد تفقد قرار داده، آنها را ملا سرافرازی ملت ایران خوانده اند.

ایشان، با آن مقام والای الهی خود را در برابر جانبازان که چک شمرده، می‌فرمایند: «وقتی امثال شما قدرتمندان روحی را می‌کشید با این روحیه بزرگ و با این عظمت روح، خجالت می‌کشم که خود را یک انسان متعهد بدانم. زبان و پیام ما عاجز از ترسیم مقام بلندپایه عزیزان است که برای اعتلای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازان شده اند».

و در جای دیگر می‌فرمایند: «به اسلام بزرگ برای داشتن این جانبازان در راه حق، که برای اسلام و میهن اسلامی خود از همه چیز خویش می‌گذرند تبریک تقدیم می‌کنم».

جانباز

در دفتر حقایق، ثبت است نام جانباز
ایثار با شکوه این جانباز فداکار
مردان راه یقند، یاد آور شهیدان
شب زنده‌دار شام و شیران روز میدان
سر مست مشت ارنه این بندگان خاکی
نوشیده‌اند شربت، از شربت الهی
جنگیده‌اند در جبهه، عشقان علی وار
یاد آر از آن دقایق که عشقان چو شیر
حمله بردند بر ناکسان، تو دیدی؟
دیدند این عزیزان، یک آن حبیب خود را
معشوق آن عزیزان، الحق طیب خود را
همراه و یارشان بود، دست عزیز یزدان
در فکر و ذکر، بود آن پیر دز جماران
یاد امام راحل، فرمود خوش کزین پس
جانباز رهبر است جز او باشد کس
الحق که این عزیزان باید ثنائیشان گفت
کس نتوان چو اینها در این جهان دیگر بست

شعری درباره جانباز از فرزند شهید عدا زاده